اختصاصی خراسان

قاتل مسلح اجاره‌ای در گفت‌وگو با خراسان

آدم‌کشی ۲۰۰ هزار تومانی!

سید خلیل سجادپور - اشاره- شب شانزدهم شهریور گذشته دو جوان نقابدار که سوار بر یک دستگاه موتورسیکلت بودند، مقابل ساختمان دو طبقه‌ویلایی در خیابان پانزده ۳ شهرک شیرین مشهد توقف کردند و چشم‌ها را به در حیاطی دوختند که قرار بود، چهره مرد ساکن در طبقه دوم را از ریخت بیندازند!

چند دقیقه بعد وقتی یکی از مردان نقابدار در حیاط را به صدا درآورد، مرد ۲۴ ساله‌ای از پله‌های ساختمان پایین آمد و در حیاط را گشود اما با دیدن مردان نقابدار به داخل منزل فرار کرد که در این هنگام یکی از نقابداران مسلح به تعقیب او پرداخت و در حالی که پله‌ها را با سرعت، پشت سر می‌گذاشت گلوله‌ای شلیک کرد. جوان ۲۴ ساله در همین لحظه روی زمین نشست تا چفتی پایین در را هروی منزل را برای جلوگیری از ورود مهاجم مسلح بیندازد که گلوله بر سینه‌اش جا خوش کرد و این گونه جنایت مسلحانه وحشتناکی رقم خورد. با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا و با صدور دستور ویژه‌ای از سوی قاضی علی‌اکبر احمدی‌نژاد (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) گروه‌زبده‌ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با هدایت سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) عملیات شناسایی مهاجمان مسلح ناشناس را در دستور کار قرار دادند تا این که بیست و سوم مهر گذشته، کارآگاهان با نظارت مستقیم سردار محمد کاظم تقوی (رئیس پلیس سرزمین خورشید) و با رصدهای اطلاعاتی پیچیده، موفق شدند عاملان اصلی این جنایت مسلحانه را شناسایی و دستگیر کنند.

به گزارش اختصاصی خراسان، اگرچه «صادق-س» یکی از متهمان اصلی پرونده به ارتکاب جنایت اقرار کرد اما هنوز یکی دیگر از مهاجمان نقابدار به‌نام مسلم متواری بود تا این که او نیز چند روز قبل و با شگردهای تخصصی کارآگاهان، دستگیر شد و در حضور سرهنگ بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) و سرهنگ نجفی (افسر تحقیق پرونده) به تشریح چگونگی این ماجرای وحشتناک پرداخت. آن چه می‌خوانید گفت‌وگوی خراسان با «صادق-س» (قاتل اجاره‌ای) است.

نامت چیست؟ «صادق-س»

چند سال داری؟ متولد ۷۲ هستم

تا چه مقطعی تحصیل کردی؟ ابتدایی را هم تمام نکردم!

چرا؟ چون هی مردود می‌شدم! یک کلاس را سه سال خواندم!

آخرش همه خسته شدند! من هم دیگر به مدرسه نرفتم.

خانواده‌ات چند نفرند؟ ۱۰ نفر هستیم و یک برادرم از من بزرگ‌تر است

پدرت چه کاره است؟ کشاورزی می‌کند

در مشهد؟ نه در تربت جام

معتادی؟ نه! فقط قرص‌های مخدر دار مانند متادون و ترامادول مصرف می‌کنم، بنگ و سیگار می‌کشم!

متاهلی؟ به طور نیمه!

یعنی چی؟ یعنی نامزد دارم، حدود یک ماه قبل دختری را به عقد خودم درآوردم!

تاکنون چند بار به زندان رفته‌ای؟ سه بار!

اولین بار به چه جرمی دستگیر شدی؟ سال ۸۹ به خاطر نزاع دسته جمعی! البته دعوای ما خانوادگی بود! پنج ماه در زندان بودم که پدرم وکیل گرفت و من از زندان آزاد شدم!

دو بار دیگر چرا به زندان افتادی؟ سال ۹۲ به جرم درگیری با ماموران انتظامی، شش ماه در زندان بودم.

آن روز ماموران موتورسیکلت‌ها را متوقف می‌کردند من هم سوار بر موتورسیکلت بودم که مامور انتظامی قصد داشت، موتورسیکلتم را به پارکینگ بفرستد من هم با او درگیر شدم و...

آخرین بار نیز سال گذشته بود که نیروهای انتظامی از منزلم دو ظرف بزرگ مشروبات الکلی کشف کردند. من دو ظرف بزرگ پلاستیکی مشروب را خودم استفاده می‌کردم ولی به اتهام فروش دستگیر شدم و بعد با سپردن وثیقه (سند ملکی) به دادسرا به طور موقت آزاد بودم که این حادثه (قتل) رخ داد.

چرا همه اعضای بدنت را به طرز وحشتناکی با چاقو و تیغ زخمی کرده‌ای؟

اعصابم به هم می‌ریخت، دیگران هم با دیدن این وضعیت از من می‌ترسیدند!

تحقیقات پلیس نشان می‌دهد که حتی افراد شرور خطرناک هم از تو می‌ترسیدند؟

نه! ولی من کارهای خطرناکی انجام می‌دادم!

خیلی از زخم‌های عمیق روی دست و سینه و شکمت هنوز شکاف دارد و خون‌آلود است، چرا؟ به خاطر این که این خودزنی‌ها را بعد از ارتکاب قتل انجام دادم! در واقع عذاب وجدان گرفته بودم!

چرا؟ چون اول قرار نبود، آن جوان را بکشم! فقط از من خواسته بودند، صورتش را از ریخت بیندازم! اما وقتی از پله‌ها فرار کرد و من نتوانستم با چاقو او را زخمی کنم، با اسلحه شکاری شلیک کردم که بعد فهمیدم آن جوان کشته شده است!

وقتی فرار کرد تو هم باز می‌گشتی! نمی‌شد! غرورم اجازه نمی‌داد! برایم افت داشت که دست خالی باز گردم! وقتی نتوانستم با چاقو زخمی به صورت آن جوان بیندازم، با خودم گفتم حداقل یک گلوله شلیک کنم که این حادثه رخ داد.

خالکوبی شیر و گرگ روی دست و کمرت معنای خاصی دارد؟

نه! همین طوری! شیر و نوشته انگلیسی را در زندان و گرگ و دیگر موارد را در بیرون از زندان روی بدنم خالکوبی کردم!

چرا «محمد» را به انگلیسی خالکوبی کرده‌ای؟ نام یکی از دوستانم است! من برای رفاقت هر کاری می‌کنم!

خدمت سربازی هم رفته‌ای؟ نه!

چرا دیر ازدواج کردی؟ هر چه دیرتر ازدواج می‌کردم بهتر بود چون می‌خواستم اول خودم را اصلاح کنم! داروهایی را که می‌خوردم کنار بگذارم و...

حالا که قتل انجام دادی؟ آن هم به خاطر رفاقت بود! دوستانم از مشهد به تربت جام آمدند و به من گفتند با یکی دعوا کرده‌ایم، ناموسی است!

تو هوادار ما باش! خیلی زود گفتم باشه! برویم!

اما متهمان دیگر مدعی هستند که تو در چهار نوبت پنج میلیون تومان پول گرفته‌ای؟

نه! من پولی نگرفتم! ولی بعد از قتل زنگ زدم و گفتم باید ۱۰۰ میلیون تومان بدهید چون قرار ما قتل نبود! با وجود این فقط ۲۰۰ هزار تومان هزینه تعمیر گوشی تلفن همراهم را دادند!

اگر قرار بود چاقو بزنی، چرا اسلحه برداشتی؟ احتمال می‌دادم که شاید فرصت استفاده از چاقو فراهم نشود به همین خاطر اسلحه شکاری را هم برداشتم!

دست پدرت را هم با تبر زدی؟ آن ماجرا مربوط به سه ماه قبل بود

به خاطر یک درگیری خانوادگی، با تبر محکم به دست پدرم زدم!

برادرت را هم چاقو زده‌ای؟ بله! حدود چهار ماه قبل با چاقو برادرم را هم زدم! دست خودم نبود!

وقتی پدرت را به طور وحشتناکی زخمی کردی چیزی نگفت؟ نه! فقط نشست و گریه کرد! می‌گفت: خدایا چرا پسر من این طوری است!

با متهمان دیگر این پرونده چگونه آشنا شدی؟ حدود دو سال قبل به خاطر خرید و فروش کبوتر و در تربت جام با «س» آشنا شدم و بعد از طریق او با دیگران رفاقت کردم!

الان چه احساسی داری؟ پشیمانم! اگر این بار از زندان بیرون بیایم دیگر دنبال رفیق بازی نمی‌روم!

چرا؟ چون آخر رفیق بازی همین است که من امروز دچار آن شدم! در دنیا بی‌خودتر از «رفیق بازی» چیزی نیست! حال و روز مرا ببینید!

تصاویر وحشتناکی از خون‌های ریخته شده روی بدنت در گوشی تلفن بود؟ چرا؟

آن عکس‌ها مربوط به زمان بعد از قتل است چون عذاب وجدان داشتم. اعضای بدنم را با چاقو خط خطی کردم!

انگلیس در شوک فرورفت

۳۹ جسد در کامیون مرگ!

کشف ۳۹ جسد در یک کامیون در جنوب شرقی بریتانیا این کشور را در شوک فرو برد.

به گزارش یورونیوز و بی بی سی، این کامیون در منطقه صنعتی «گریز» واقع در استان اسکس در شرق لندن پارک شده بود و پلیس در نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه یکم آبان اجساد قربانیان را در قسمت بار آن کشف کرد.

گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که اجساد ۳۸ فرد بزرگ‌سال و یک نوجوان در کامیون بوده است. پلیس بریتانیا می‌گوید، راننده این کامیون که یک مرد ۲۵ ساله اهل ایرلند شمالی است به ظن قتل بازداشت شده است. آندرو مارینر، فرمانده پلیس منطقه اسکس به رسانه‌ها گفت: «این یک حادثه غم‌انگیز است که طی آن افراد زیادی جان خود را از دست داده‌اند. تحقیقات ما برای تشخیص این که چه اتفاقی برای این افراد افتاده، در جریان است.» وی با بیان این که کار تشخیص هویت جان باختگان در حال انجام است افزود که این کار ممکن است به طول بینجامد. به گفته این افسر پلیس، کامیون کشف شده احتمالا از بلغارستان آمده و در روز شنبه ۱۹ اکتبر (۲۷ مهر) از طریق منطقه «هولیهد» در ولز، وارد خاک بریتانیا شده است. در پی اعلام کشف ده‌ها جسد ناشناس در کامیونی در شرق لندن، بوریس جانسون گفت که از شنیدن این خبر یکه خورده است. جکی دویل پرایس، نماینده تاروک (در اسکس) در مجلس بریتانیا هم به این خبر واکنش نشان داده و گفته است، قاچاق انسان کار خطرناک و ناپسندیده‌ای است و ابراز امیدواری کرده که پلیس "این قاتلان را به دست عدالت بسپارد." برخی منابع امکان این را که جان باختگان از پناهجویان سوری باشند که از طریق بلغارستان به سوی اروپا می‌روند، محتمل دانسته‌اند.

در امتداد تاریکی

سوءظن عجیب!

سوءظن عجیبی همه وجودم را فرا گرفته است. شب و روز در خودم فرو می‌روم و به آینده و گذشته‌ام می‌اندیشم. به اشتباه بزرگی فکر می‌کنم که همه زندگی‌ام را به تباهی کشاند اما اکنون حادثه تلخی در زندگی‌ام رخ داده است که به هیچ وجه نمی‌توانم تصمیم درستی بگیرم و در دوراهی عقل و احساس گیر افتاده‌ام چرا که...

این‌ها بخشی از اظهارات مرد ۴۵ ساله‌ای است که در پی یافتن راهکاری قانونی وارد کلانتری سیدی مشهد شده بود. او که ادعا می‌کرد زندگی‌اش در آستانه فروپاشی قرار دارد، درباره سرگذشت تلخ خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: در خانواده‌ای به دنیا آمدم که پدرم اوضاع اقتصادی مناسبی نداشت به همین دلیل همواره داشتن بسیاری از امکانات رفاهی برایم به یک آرزو تبدیل شده بود از سوی دیگر نیز به درس و مشق علاقه‌ای نداشتم و در مقطع راهنمایی ترک تحصیل کردم هنوز به قول معروف پشت لبم سبز نشده بود که وارد بازار کار شدم و با دست فروشی و کارگری ساختمان، مخارجم را تامین می‌کردم اما هیچ‌گاه این درآمدهای اندک نتوانست آرزو و رویاهایم را برآورده کند. در همین سال‌ها بود که برای اولین بار و با تعارف یکی از دوستانم سیگار را لای انگشتانم گذاشتم و خیلی زود با مواد مخدر آشنا شدم. ابتدا به صورت تفننی و پنهانی مصرف می‌کردم و در گیر تفریح و خوش گذرانی شده بودم. خلاصه به چیزی جز تفریح و رفیق بازی نمی‌اندیشیدم تا این که بالاخره صبر مادرم تمام شد و اصرار داشت که باید دور معاشرت با دوستانم را خط بگیرم و با ازدواج زندگی جدیدی را آغاز کنم. ۲۸ ساله بودم که مادرم به خواستگاری «هانیه» رفت و ما به طور سنتی با یکدیگر ازدواج کردیم. با وجود این کارگری و دست فروشی درآمدی نداشت و من که آرزوهای بزرگی را در سر می‌پروراندم نمی‌توانستم با این پول‌ها زندگی کنم از سوی دیگر دوستان معتادم را رها نکرده بودم و پای بساط آن‌ها می‌نشستم تا این که شبی یکی از دوستانم پیشنهاد خرده فروشی مواد مخدر را مطرح کرد و از درآمدهای هنگفت آن سخن گفت. با یک حساب سرانگشتی می‌توانستم با فروش مواد به زندگی‌ام رونقی بدهم، این گونه بود که دست به خرده فروشی مواد مخدر زدم. خیلی زود از طریق دوستان هم بساطی‌ام با فروشندگان مواد مخدر ارتباط برقرار کردم و در مدت کوتاهی اوضاع زندگی‌ام کمی بهتر شد اما مصرف روزانه خودم بالاتر رفته بود و بیشتر سود ناشی از خرده فروشی را دود می‌کردم تا این که به فروش مواد مخدر صنعتی روی آوردم. هنوز در رویاهای خودم غرق بودم که حدود هشت سال قبل و در یک روز سرد زمستانی ماموران نیروی انتظامی وارد منزلم شدند و همه مواد مخدری را که به تازگی خریده بودم کشف و ضبط کردند و من به تحمل حدود ۲۰ سال زندان محکوم شدم. آن روزها همسرم با دو فرزند کوچکم تنها ماند و من هم به انتظار آزادی روزها را می‌شمردم. وقتی برای اولین بار به مرخصی آمدم متوجه شدم همسرم برای تامین هزینه‌های زندگی در خانه‌های مردم یا باغ ویلاها کارگری می‌کند. با آن که احساس شرم می‌کردم ولی کاری از دستم ساخته نبود. چرا که باید تاوان سختی را برای گرفتار کردن جوانان در دام اعتیاد پس می‌دادم بالاخره به هر سختی بود هشت سال از دوران محکومیت‌ام را سپری کردم تا این که به دلیل پشیمانی و اخلاق و رفتارم در زندان مورد عفو قرار گرفتم و از زندان آزاد شدم اما هنوز یک هفته بیشتر از آزادی‌ام نمی‌گذشت که متوجه رفتارهای مشکوک همسرم شدم. رفت و آمدهای پنهانی، تماس‌های مشکوک و بهانه‌های باورناپذیر او برای خروج از منزل سوءظن مرا برانگیخته بود به همین دلیل شبی با بررسی پیامک‌های هانیه با یکی از کارفرمایانش متوجه روابط نامتعارف آن‌ها شدم. وقتی موضوع را با همسرم در میان گذاشتم ناگهان وحشت‌زده و گریان به این رابطه عاطفی خارج از عرف اقرار کرد. او گفت: در این سال‌ها که به خاطر هزینه‌های زندگی و مخارج فرزندانم مجبور به کار کردن در خارج از شهر بودم مورد اغفال کارفرما قرار گرفتم به طوری که آن مرد با تهیه فیلمی از این روابط زشت مرا تهدید می‌کرد. من هم به خاطر ترس از آبروریزی مجبور به برآورده کردن خواسته‌های بی‌شرمانه‌اش بودم. حالا با این حرف‌های همسرم، سوءظن عجیبی درباره پسر شش ساله‌ام پیدا کرده‌ام که روحم را تا سر حد انفجار آزار می‌دهد و...

شایان ذکر است به دستور سرگرد قاسم احمدی (رئیس کلانتری سیدی) رسیدگی‌های قانونی و بررسی‌های روان‌شناسی در این پرونده آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

فیش حج واجب و عمره
خرید - فروش - نقدی
نبش معلم ۱۳ - پلاک ۱
۰۹۱۵ ۴۵۱ ۱۱۶۸ - ۶۹
ل/۹۸۰۹۷۹۳۵

ل/۹۸۰۹۵۲۱۱
مسکن خشت
به موارد فروش، اجاره و مشارکت درساخت
دربلوارسجاد
فوری فوری
نیازمندیم
۰۹۱۵۱۱۵۹۳۵۶ - ۳۷۶۷۹۰۱۰

آگهی مزایده اموال غیرمنقول کلاسه

بانک ملت به آدرس مشهد نبش امام خمینی ۳۲ به استناد اسناد رهنی ۱۳۷۱/۱۱/۰۸-۸۹۰۸۳ و ۱۳۷۱/۱۱/۱۰-۸۹۲۳۳ و ۱۳۸۱/۱۲/۱۱-۷۶۰۱۵ و ۱۳۶۵/۰۹/۰۸-۸۹۰۷۱ و ۱۳۷۱/۱۱/۰۱-۸۹۱۰۸ و ۱۳۷۱/۱۱/۱۱ و ۱۳۸۶/۰۷/۰۸-۱۱۲۳۲۴۱ و ۱۳۸۸۸ - ۱۳۸۹/۰۷/۲۶ دفترخانه ۴ و ۵۷ مشهد اجرائیه تحت کلاسه های ۸۹۰۰۹۴۰ الی ۸۹۰۰۹۴۵ در قبال مبلغ جمعا به مبلغ ۷/۰۵۵/۵۳۹/۸۱۳ ریال موضوع لازم الاجرا علیه شرکت مشهد عصاره به شناسه ملی ۳۰۰۳ به نشانی: مشهد- جاده سنتو- کیلومتر ۱۵ چاهشک صادر که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۳۱ و در پایان مهلت مقرر در آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، لازم الاجراء و تقاضای بانک مبنی بر ارزیابی و مزایده تمامت شدنانگ پلاک ثبتی ۱۹۵ فرعی از ۱۷۸ و ۱۷۹ اصلی بخش ۱۰ مشهد ملکی مذکور به مبلغ ۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شانزده میلیارد ریال) ۲- ششدانگ پلاک ثبتی ۱۹۴ فرعی ۱۷۸ و ۱۷۹ اصلی بخش ۱۰ مشهد ملکی شرکت مذکور به مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی میلیارد ریال)، به آدرس: مشهد، جاده قوچان، اول جاده چاهشک، نرسیده به میدان اول جمعا به مبلغ ۴۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی و قطعیت یافته که حدود و مشخصات و توصیف اجمالی ملک بدین شرح می باشد: برابر سند ثبتی ارائه شده و گزارش شماره ۲۵.۲۸۴۳ مورخ ۹۶/۳/۶ به پیوست منشکل از دو پلاک ثبتی ششدانگ و به شماره ۱۹۴ و ۱۹۵ فرعی از ۳ فرعی از ۱۷۸ و ۱۷۹ اصلی بخش ۱۰ مشهد به حدود و مشخصات مطابق سند و عرصه پلاک ۳.۱۹۴ به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع واقع در شرق عرصه کارخانه و در حاشیه جاده اصلی چاهشک و عرصه پلاک ۳.۱۹۵ به مساحت ۲۶۵۰ مترمربع واقع در غرب عرصه کارخانه و در حاشیه خیابان ۱۲ متری و عرصه کل دو پلاک به مساحت ۶۱۵۰ مترمربع و در تصرف مدیون قرار دارد. اعیان شامل سوله سالن تولید دارای دیوارهای آجر سفال با ضخامت ۳۵ سانت و سقف با ورق گالوانیزه موجدار و توری مرغی و پشم شیشه و کف بتنی و دیوارهای سوله تا ارتفاع ۴ متر کاشی و جرثقیل ثقفی سه تنی و سوله انبار و هم چنین ساختمان نگهبانی و سرایداری و سرویس بهداشتی و خانه های انتهای زمین با اسکلت دیوار باربر و سقف طاق ضربی مجموعا به مساحت ۳۱۱۸.۵ مترمربع و ساختمان تجاری در حاشیه جاده چاهشک و سمت راست درب ورودی اصلی کارخانه در دو طبقه هم کف و اول و هر طبقه ۶ باب مغازه تجاری به ارتفاع ۴ متر و عرض ۵ متر و بدنه تا ارتفاع یک متر سنگ و مابقی گچ و کف ها موزائیک و درب و پنجره با شیشه سکوریت و مساحت مغازه های هم کف ۲۵۵ مترمربع و طبقه اول ۲۷۵ مترمربع و مجموعا به مساحت ۵۳۰ مترمربع می باشد. دیوارهای محوطه به طول ۳۵۰ متر و به ارتفاع ۲.۵۰ متر با اسکلت اجری و کف محوطه آسفالت و دارای پست گاز و یک حلقه چاه آب ۲ اینچی و یک دستگاه باسکول و انشعابات برق صنعتی سه فاز و ۲ امتیاز گاز می باشد. با توجه به جمیع موارد و با در نظر گرفتن موقعیت مکانی و جغرافیایی و کاربری صنعتی، تجاری، ابعاد و مساحت عرصه و ممر دسترسی و متراژ اعیان با کاربری های موجود و سایر عوامل موثر در قیمت گذاری و امتیازات متعلقه و منصوبه در حال حاضر ارزش تمامیت شدنانگ دو قطعه جمعا به مبلغ ۴۶.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال معادل چهار میلیارد و ششصد میلیون تومان برآورد می گردد.

لازم به ذکر است ارزیابی با فرض عدم بدهی ملک به کلیه مراجع ذیصلاح تهیه شده است. حدود اجمالی پلاک مذکور براساس پرونده ثبتی بشرح ذیل می باشد. شمالا: ۵۴ متر پی اشتراکی به شماره ۱۹۲ شرقا: ۵۰ متر پی اشتراکی ۱۹۶ غربا: ۵۰ متر پی دیوار به خیابان ۱۲ متری . ملک موصوف برابر گزارش مامور اجرای ثبت در روز ارزیابی تصرف کارخانه مشهد عصاره می باشد و حدود ملک با واقع تطبیق ملک موصوف و فاقد بازداشتی می باشد. مزایده بصورت ششدانگ به مبلغ مورد ارزیابی شده در روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل اجرای ثبت طرقبه شاندیز واقع در اجرای ثبت طرقبه شاندیز شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا واگذار می گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده با تعطیل رسمی مصادف گردد جلسه مزایده روز بعد در همان محل و در ساعت مقرر برگزار خواهد شد و نیم عشر اجرایی و حق مزایده نقدا پرداخت و سایر هزینه های قانونی اعم از معلوم و نامعلوم طبق تبصره ۶ ماده ۱۲۱ بعهده برنده مزایده می باشد.
م/۹۸۰۹۷۹۶۴

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰ layout@khorasannews.com

«آگهی مناقصات عمومی یک مرحله ای»

شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد با رعایت مفاد آئین نامه معاملات شرکت های آب و فاضلاب شهری و استانی و از طریق مناقصات عمومی عملیات مشروحه ذیل را به پیمانکاران ذیصلاح واگذار نماید .

ردیف	عنوان پروژه	مدت اجرا	مبلغ برآورد اولیه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	رتبه و رشته موردنیاز	نوع تضمین شرکت در فرآیند اجاع کار
۱	اجرای عملیات اصلاح شبکه و نصب مجدد انشعابات آب بصورت پراکنده در سطح منطقه ۱	۱۲	۱۳/۵۶۷/۲۲۰/۳۱۳	۶۷۹/۰۰۰/۰۰۰	۵ آب	۱ - واریز نقدی به حساب جاری شماره ٤٠٠٥٠٠٠١ بانک پاسارگاد شعبه آبفای مشهد ۲ - ضمانتنامه بانکی ۳ -اوراق مشارکت
۲	اجرای عملیات کروکی های پراکنده اصلاح شبکه و نصب مجدد انشعابات آب در منطقه ۳ " تجدید مناقصه "	۱۲	۵/٤٩٠/٣٤١/٩٤٣	۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰	۵ آب	

۱. کارفرما : شرکت آب و فاضلاب مشهد۲. محل تأمین اعتبار : از محل طرحهای غیر عمرانی ۳. تاریخ دریافت اسناد مناقصات : از تاریخ درج آگهی لغایت ۹۸/۸/۱۱ - ٤. تاریخ تحویل پاکات مناقصات تکمیل شده : ساعت ۱۵:۲۰ مورخ ۹۸/۸/۲۱ - ۵. محل تسلیم پاکات مناقصات: مشهد ، خیابان فلسطین،فلسطین ۲۶.دبیرخانه مرکزی شرکت آب و فاضلاب مشهد . ۶.مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت سه ماه می باشد . ۷. هزینه درج آگهی به عهده برندگان مناقصه می باشد.

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد
د/۹۸۰۹۷۹۷۵

۳۷۰۱۰
پذیرش تلفنی آگهی با پیک رایگان